

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳
صص: ۱۴۵-۱۶۹

تحلیل رویکرد تشکیکی قرآن پژوهی مستشرقان ایالات متحده آمریکا

سیدحسین علوی^۱

چکیده

بررسی رویکردهای اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی مستشرقان در منابع اسلامی، به ویژه قرآن کریم، از مهم‌ترین موضوعات مطالعات قرآنی است؛ از آن رو که چگونگی نگرش به اعتبار تاریخی منابع صدر اسلام، ارتباط مستقیمی بر برداشت ما از کیفیت خاستگاه اسلام و قرآن دارد. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی رویکرد تشکیکی در میان قرآن‌پژوهان غیرمسلمان فعال در ایالات متحده آمریکا، با تکیه بر آرای دیگر مستشرقان، تبیین و تحلیل شده است. برون‌داد پژوهش حاکی است که این رویکرد با پیش‌فرض‌هایی متأثر از پارادایم‌های فکری - علمی رایج در غرب و نقد متون عهدینی، وارد حوزه قرآن‌پژوهی شده و غالباً همان نگاه عهدینی را بدون توجه به تفاوت‌های ماهوی و زمینه‌ای قرآن و حیانی با متون عهدین تحریف شده، به قرآن داشته و با نادیده‌گرفتن روایت مستدل اسلامی درباره اعتبار و وثاقت متون اسلامی، قرآن را به مثابه متنی بشری تلقی کرده و رویکرد مبتنی بر جهان‌بینی مادی و خاص متون بشری و نیز تطبیق یافته بر متون عهدینی را بر آن تحمیل کرده است. پیش‌فرض‌ها و روش تحقیق این رویکرد با نقدهای جدی محافل قرآن‌پژوهی مواجه شده و مورد بازنگری قرار گرفته که سستی و بی‌پایگی آرای تشکیکی آن را به نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن‌پژوهی مستشرقان، رویکردهای قرآن‌پژوهی مستشرقان، قرآن‌پژوهی آمریکا، رویکرد تشکیکی قرآن‌پژوهی مستشرقان.

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه، hosainalawi@yahoo.com

۱- مقدمه

دین مبین اسلام، کتاب مقدس و پیامبر این دین، از زمان ظهور، پیوسته محل توجه غیرمسلمانان بوده و مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. قرآن کریم در جایگاه قطعی‌ترین، معتبرترین و در نتیجه، مهم‌ترین منبع و سند اعتقادی مسلمانان، در مرکز توجه اسلام‌شناسی مستشرقان و کانون اصلی رویکردهای مختلف به مسائل گسترده اسلام‌شناسی، به ویژه موضوع خاستگاه اسلام و اعتبار منابع اسلامی بوده است. اما نگاه اندیشمندان غیرمسلمان به اسلام و قرآن گوناگون بوده و برداشت و تبیین آنها نیز همیشه حقیقت‌جویانه نبوده، بلکه اغلب مرتبط و وابسته به نگاه و تعامل غرب با دنیای پیرامونش، مانند رقابت‌های سیاسی-دینی با اسلام و مسائل درونی جامعه غرب، مانند برخوردها و رقابت‌های مکاتب و جریان‌های فکری-اجتماعی آنها بوده است که نتیجه آن نیز ظهور رویکردها و جریان‌های مختلف در حوزه اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی، در میان این غیرمسلمانان یا به اصطلاح، «مستشرقان» بوده است.

آغاز قرآن‌پژوهی در محافل علمی آمریکا متأخر و متأثر از نوع اروپایی آن بوده و می‌توان آن را به دو دوره کلی، قبل از نیمه سده بیستم و بعد از نیمه سده بیستم، تقسیم کرد. تا پیش از نیمه سده بیستم، قرآن‌پژوهی آمریکا، در ضمن و به تبع اسلام‌پژوهی غیرآکادمیک، در حد معرفی کلیت قرآن یا بهره‌برداری کلی در مقاصد خاص مثل مسائل ادبی، سیاسی یا کاربرد آن در درون جریان تبلیغی-تبشیری ضداسلامی است.

در نیمه دوم سده بیستم، قرآن‌پژوهی آمریکا گرچه فردی است و هنوز تبدیل به یک رشته دانشگاهی نشده، بسیار فعال و تأثیرگذار بر جریان کلی مطالعات قرآنی در جهان است. در این دوره شاهد فعالیت جریان‌ها و رویکردهای مختلف و متنوع قرآن‌پژوهی مستشرقان در شاخه‌های متکثر مطالعاتی در حوزه مسائل و معارف قرآنی هستیم که

نیازمند نقد و بررسی اندیشمندان اسلامی هستند. لازمه انجام این رسالت به گونه‌ای صحیح، علمی و کارآمد، شناخت و درک درست این رویکردها و دیدگاه‌ها است.

درباره رویکرد تشکیکی مستشرقان به منابع اولیه اسلامی شاهد آثار انتقادی، به ویژه تحلیل و نقد آرای افراد شاخص این رویکرد مثل جان ونزبرو، پاتریشیا کرون و مایکل کوک، از سوی پژوهش‌گران هستیم. نخستین مقالات انتقادی در مورد آرا و آثار این رویکرد، متعلق به خود مستشرقان از میان دیگر رویکردها است. ویلیام گراهام در مقاله‌ای مروری با عنوان «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی» که ترجمه فارسی آن در کتاب «زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان» منتشر شده است، به گونه‌ای مختصر، برخی آرای ونزبرو را نقد می‌کند. (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۲۰-۲۳۶) استله و لن در مقاله «مدارک از یادرفته»، با اشاره به برخی شواهد و مدارک تاریخی که مثبت وجود قرآن در صدر اسلام‌اند، در پی نقض ادعای اصلی این رویکرد مبنی بر عدم وجود شاهد تاریخی بر وجود قرآن در دو سده نخست هجری است. (ولن، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۶۴)

نصرت نیل‌ساز در مقاله «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، ادعای ونزبرو مبنی بر تثبیت دیر هنگام متن قرآن را نقد کرده و آن را خلاف داده‌های تاریخی می‌داند. (نیل‌ساز، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۷۰) همو در کتاب **خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس**، روش تحقیق ونزبرو را به چالش می‌کشد. (نیل‌ساز، ۱۳۹۳: ۴۹-۸۴)

آرا و اندیشه‌های شاگردان ونزبرو، کرون و کوک، نیز از نگاه نقادانه پژوهشگران دورنمانده است؛ سید احمد رضا خضری و مائده بایرام، در مقاله «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب تجارت مکه و ظهور اسلام» با تمرکز بر یکی از آثار کرون، رویکرد تشکیکی وی به تاریخ صدر اسلام و اصالت منابع

اسلامی را بررسی کرده‌اند. (خضری و بایرام، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۰) سپیده نصرتی، قربان علمی و ناصر گذشته نیز به نقد و بررسی آرا تجدیدنظرطلبانه کرون در زمینه مطالعات اسلامی همت گماشته‌اند. (نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۲۱-۱۴۷) سعید کریم‌پور و علی راد در مقاله «فرضیه خاستگاه هاجری اسلام؛ تحلیل و نقد»، با محوریت کتاب **هاجریم**، تألیف مشترک کرون و کوک، فرضیه این دورا مبنی بر این‌که فرقه‌ای یهودی، خاستگاه و زمینه‌ساز شکل‌گیری دین اسلام بوده است نقد و ارزیابی کرده‌اند. (کریم‌پور و راد، ۱۳۹۶: ۷۸۶-۷۶۹)

بیشترین آثار ارزشمند، به‌رغم توجه به نقد این رویکرد، دارای نگاهی جزءنگرانه بوده و آرای فردی خاص یا اثر خاصی را مرکز تبیین و نقد قرار داده‌اند. در اثر حاضر، ضمن استناد به آثار اصلی این جریان و آرای دیگر مستشرقان، با روش تحلیلی-انتقادی و با یک نگاه کل‌نگر، این افراد و آرای جزئی آنها به مثابه یک جریان یا رویکرد کلی در کانون توجه قرار گرفته و مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این جریان تحلیل و نقد شده است. افزون بر این، برای پرهیز از پراکنده‌گویی، تلاش شده حوزه مطالعاتی خاص، یعنی قرآن‌پژوهی این جریان، در یک حوزه جغرافیایی خاص یعنی ایالات متحده آمریکا، محور پژوهش قرار گیرد.

۲- رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب^۱

بحث رویکردهای قرآن‌پژوهی مستشرقان زیرمجموعه رویکرد کلی آنها نسبت به کل منابع اسلامی قرار می‌گیرد و مباحثی مانند خاستگاه قرآن هم از جهت زمانی و هم به لحاظ مکانی، سندیت تاریخی یا عدم سندیت آن در تبیین مباحث صدر اسلام در آن مطرح است. در تقسیم‌بندی رویکردها، خود مستشرقان نیز اختلاف دارند. برخی

1. The skeptical/Revisionist approach

مثل یهودا نیوو^۱ و جودیت کورن^۲، از دو رویکرد اصلی سنتی^۳ و تجدیدنظرطلب^۴ سخن گفته‌اند. (Nevo & Koren, 1991: 87-107) فرد مک‌گرو دانر^۵ رویکردها به منابع را به چهار رویکرد تقسیم می‌کند (DONNER, 1998: 5-25)، یعنی: ۱. توصیفی یا سنتی^۶، ۲. نقد منبع^۷، ۳. نقد سنت^۸ و ۴. شک‌گرایانه یا تجدیدنظرطلب^۹.

با وجود این، رویکردهای اصلی مستشرقان به منابع اسلامی از جمله قرآن را می‌توان در چهار رویکرد اصلی رویکرد جدلی - تبشیری، رویکرد توصیفی یا سنتی، رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب و رویکرد علمی - انتقادی ترسیم نمود که برای درک درست از قرآن پژوهی مستشرقان، تبیین و تحلیل درست و دقیق هرکدام از این رویکردها ضروری است. از آنجا که این مقاله گنجایش تبیین و بررسی همه این رویکردها را ندارد، به یکی از این رویکردها، یعنی رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب، پرداخته است؛ رویکردی که در غرب، در نیمه دوم سده بیستم، با آثار جان ونزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲)^{۱۰}، مستشرق آمریکایی لندن نشین و شاگردانش، پاتریشیا کرون (۱۹۴۵-۲۰۱۵)^{۱۱} و مایکل کوک (متولد ۱۹۴۰)^{۱۲}، در حوزه مطالعات اسلامی و قرآن پژوهی مطرح

1. Yehuda Nevo

2. Judith Koren

3. Traditional Approach

4. Revisionist Approach

5. Fred McGraw Donner

6. DESCRIPTIVE APPROACH

7. SOURCE-CRITICAL APPROACH

8. TRADITION-CRITICAL APPROACH

9. The skeptical /Revisionist approach

10. John Wansbrough

11. Patricia Crone (1945-2015)

12. Michael Cook

شد و مباحث چالش‌برانگیزی را پیش کشید.

جان ونزبرو با آثاری مثل **مطالعات قرآنی: منابع و روش‌های تفسیر متن مقدس**^۱ که در ۱۹۷۷ در انتشارات آکسفورد منتشر شد سر زبان‌ها افتاد که در آن منابع و روش‌های مختلف تفسیری قرآن را بررسی کرد. سپس **محیط فرقه‌ای: محتوا و تکوین تاریخ نجات اسلامی**^۲ را در ۱۹۷۸ میلادی منتشر کرد که در واقع ادامه دیدگاه وی در مطالعات قرآنی بود که در آن منابع سنتی قرآن را نقد کرد. (Segovia, Carlos A, 2012: xix-xxvii) شاگردان وی، پاتریشیا کرون آمریکایی- دانمارکی و مایکل کوک آمریکایی- انگلیسی، در همان سال ۱۹۷۷ میلادی راه تشکیکی استادشان را ادامه دادند و کتاب **هاجریسیم: ساخت جهان اسلام**^۳ را منتشر کردند. افرادی مانند جرالدهاوتینگ^۴، سلیمان بشیر^۵، موشه شارون^۶، یهودا نوو^۷، جودیت گرن^۸، نورمن کالدرا^۹ و کریستوف لوکسنبگ^{۱۰} تا حدودی و با فراز و نشیب‌های دیدگاهی، این راه را ادامه دادند.

1. Wansbrough, John, Qur'anic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation (Oxford, 1977).
2. Wansbrough, John, The Sectarian Milieu: Content and Composition Of Islamic Salvation History (Oxford, 1978).
3. Crone, Patricia; Cook, Michael, Hagarism, the making of the Islamic world, Cambridge University Press (1977)
4. Gerald Howting
۵. سلیمان بشیر (۱۹۴۷-۱۹۹۱)، محقق عرب دروزی فارغ‌التحصیل دانشگاه عبری اورشلیم و دانشگاه لندن که در آثارش نوعی تاریخی‌نگری نسبت به اسلام و نیز بحث اقتباس از یهودیت و مسیحیت مشاهده می‌شود. مهم‌ترین اثر وی در این زمینه کتاب ذیل است:
سلیمان بشیر، مقدمه فی التاريخ الآخر: نحو قراءة جديدة للرواية الإسلامية، الطبعة الأولى ۱۹۸۴ فی القدس، الطبعة الثانية ۲۰۱۲ فی المانیا، منشورات الجمل.
6. Moshe Sharon (born 1937, Haifa, Israel)
7. Yehuda Nevo
8. Judith Koren
9. Norman Calder (1950-1998)
10. Christoph Luxenberg

گرچه این رویکرد تشکیکی افراطی در دهه‌های پایانی سده بیستم در غرب برجسته شد، بدینی افراطی آن در مورد اصالت دین اسلام و قرآن کریم، در واقع تداوم نگرش‌های منفی اسلافشان به اسلام و منابع اسلامی است که امروزه در قالب علمی‌تر و تخصصی‌تر ارائه می‌شود. ریشه‌های این رویکرد در دوران معاصر، جدای از بحث وجودی این رویکرد در نخستین دوره‌های برخورد کلیساییان با اسلام، به آرا و آثار امثال آلفونس مینگانا (۱۸۸۱-۱۹۳۷)،^۱ ایگناتس گلدتسیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)^۲ و یوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۲)^۳ می‌رسد که در اصالت خود پیامبر (ص)، سنت ایشان و قرآن کریم تردیدهای جدی را روا داشتند. مینگانا معتقد بود قرآن بدون درک نقشی که زبان سریانی در آن ایفا کرده است قابل فهم نیست. (معارف، ۱۳۹۴: ۹۰؛ Donner, 1998: 23-24) فرد مک‌گرو داور نیز به نوعی معتقد است که این رویکرد تا حدودی نتایج آثار گلدتسیهر را ارائه می‌دهد. (معارف، ۱۳۹۴: ۹۰؛ Donner, 1998: 23-24) البته از نظر وی هنری لامنس بلژیکی^۴ را باید از پیشگامان اصلی چنین رویکرد شک‌گرایی افراطی دانست. آرای لامنس به حدی افراطی بود که نه تنها از سوی اندیشمندان مسلمان بلکه حتی از سوی افرادی مثل تئودور نولدکه^۵ و کارل هاینریش بکر^۶ آلمانی نیز به نوعی هدف نقد قرار گرفت. (Donner, 1998: 20-21)

یوزف شاخت نیز در راستای یافتن «ریشه‌ها»، در سال ۱۹۵۰ کتاب **سرچشمه‌های فقه اسلامی**^۷ را نوشت و در آن بدینی را به اوج رساند و اصالت هرگونه حدیث را در جهان

1. Alphonse Mingana
2. Ignac Goldziher
3. Joseph Schacht
4. Henri Lammens (1862-1937)
5. Theodor N Ideke (1836-1930)
6. Carl Heinrich Becker (1876-1933)
7. Schacht, Joseph, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Oxford, 1950

اسلام زیر سؤال برد (معارف، ۱۳۹۴: ۹۰) و بدین طریق زمینه‌های ظهور و تداوم این رویکرد را تقویت کرد. بنابراین، رویکرد تشکیکی با تکیه بر این گذشته و پس‌زمینه، در نیمه دوم سده بیستم و با پیشگامی جان ونزبرو و حلقه پیرامونش رونقی دوباره گرفت و به‌رغم ایجاد تشکیک‌ها و شبهه‌هایی، موجبات تحرک بیشتر و پویایی مطالعات اسلامی و قرآن‌پژوهی در غرب را فراهم کرد.

درباره دلایل بروز و ظهور این رویکرد بحث و اختلاف است؛ برخی مستشرقان بر این باورند که در نتیجه استفاده از رویکردهای نقد منبع و نقد سنت، برخی محققان غربی شروع به زیر سؤال بردن و تردید در این باور کردند که آیا اساساً هیچ حقیقت تاریخی در سنت اسلامی بقا یافته و باقی مانده است؟ چنین دغدغه‌هایی منجر به شکل‌گیری رویکردی شد که آن را «رویکرد تشکیکی» می‌نامند. این رویکرد معتقد است که منابع سنتی اسلام در معرض تکامل بوده‌اند و وجود هرگونه حقیقت تاریخی یا هسته‌ای از واقعیت تاریخی که بتواند حقیقت حوادث واقعه را بیان کند را انکار و رد می‌کند، زیرا این شواهد در دریایی از تحریفات و افزوده‌های بعدی غرق شده و از بین رفته‌اند و قابل بازسازی نیستند. (Donner 1998: 20; Crone, 2003: 7)

درباره منشأ و خاستگاه قرآن کریم نیز اصل اولی و نگاه غالب در میان مستشرقان عدم و حیانیّت آن است. (اسکندرلو و علوی، ۱۳۹۹: ۹-۲۸) مایکل سِلز قرآن پژوه آمریکایی در این باره تصریح می‌کند که در غرب پیرامون عامل تألیف قرآن حداقل سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست متعلق به مستشرقان گذشته و قدیمی است که قرآن را تألیف شخص پیامبر می‌دانستند. دومین دیدگاه که جدید، معتدل و در حال رونق است، دیدگاهی است که توجه و تمرکزش را بر متنیت قرآن قرار داده است و این که قرآن متن مقدس مسلمانان است که به باور مسلمانان در سده هفتم میلادی نازل

شده است. این گروه گرایشی به معین و مشخص کردن مؤلف این متن ابراز نمی‌کنند. دیدگاه سوم که متعلق به گروه تجدیدنظرطلبان یا شک‌گرایان است، قرآن را محصولی می‌داند که فرایند تکوین و تثبیت آن در جامعه اسلامی فراتر و طولانی‌تر از حیات یک فرد خاص بوده؛ لذا نمی‌تواند محصول یک یا چند شخص خاص و معین باشد. (Sells, 1999 & 2001: 4-5)

به هر حال، شک‌گرایان در بازخوانی جنبه‌های بنیادین و تمامیت روایت اسلامی در باب خاستگاه اسلام و تاریخ تکوین و تثبیت قرآن کریم می‌کوشند. پیشگام این جریان، جان ونزبرو، مدعی است که بیشتر روایات و آثار اسلامی مرتبط با جمع قرآن در طول قرن دوم هجری ساخته و پرداخته شده‌اند. (سعید، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰)

در نتیجه، آثار اولیه اسلامی، از جمله قرآن کریم، فاقد اعتبار تاریخی بوده و در زمره آثار ادبی باید قلمداد شوند. ونزبرو در راستای همین پندار قرآن را همچون یک متن ادبی می‌نگرد؛ متنی که تداوم سنت کتاب‌های مقدس عبری و مسیحی و محصولی کاملاً بشرساخته است. (سعید، ۱۳۹۷: ۸۰)

از آنجا که روش نقد تاریخی مختص مطالعه آثاری است که مدعی انتقال اطلاعات تاریخی‌اند و آثار اولیه اسلامی نه آثار تاریخی، بلکه آثار ادبی‌اند، پس به زعم امثال ونزبرو، روش مناسب برای بررسی آن نیز تحلیل ادبی است، نه تحلیل تاریخی. به ادعای ونزبرو قرآن تا حدود ۱۵۰ سال پس از وفات پیامبر (ص) کامل نشد و روایات سنتی مسلمانان پیرامون جمع قرآن، در واقع، «تاریخ نجات» اسلامی است که به دست مسلمانان بعدی، یعنی دوران بنی‌امیه (از ۴۱ تا ۱۳۲ق)، ساخته و پرداخته شده است. (Wansbrough, 2004: 43-50, 202) علت اصلی و بنیادی این ادعای ونزبرو مبتنی بر این استدلال بود که هیچ سند مکتوبی در ارتباط با مفهوم اسلام یا جمع قرآن، به عنوان یک متن مقدس رسمی تا پیش از اواخر سده دوم و اوایل سده سوم

هجری وجود ندارد. (Wansbrough, 2004: pp. 33-50)

بر اساس فرضیات ونزبرو، اسلام فرقه‌ای است که در طول یک دوره مجادلات شدید بین گروه‌های یهودی و مسیحی، از دل سنت یهودی-مسیحی سربرآورد. در طول این دوره، قبایل عرب، متون یهودی-مسیحی را با فرهنگ خود تطبیق کردند تا سرانجام کتاب مقدس اسلامی خود را پس از قرن اول و دوم هجری / هفتم و هشتم میلادی تکامل بخشیدند. (Wansbrough, 2004: 78-81)

برخی شاگردان ونزبرو، از جمله پاتریشیا کرون و مایکل کوک، احتمال پیوند قرآن با یهودیت را مطرح کردند و در کتاب **هاجریسیم**، ساخت جهان اسلام را به فرقه‌ای از یهودیت، یعنی هاجریون، منتسب کردند و مدعی شدند که آغاز گردآوری قرآن، در زمان حکمرانی حجاج و در عراق، حدود سال ۸۵ ق، بوده است. (Crone, & cook, 1977: 18)

هرچند کرون و کوک در آثار بعدی خود از برخی ادعاهای جنجالی‌شان فاصله گرفتند، هنوز دیدگاه‌های مسلمانان و غربیان سنت‌گرا درباره تاریخ اسلام را زیر سؤال می‌بردند و می‌برند. (سعید، عبدالله، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰)

شک‌گرایان، در بحث هرمنوتیکی نیز غالباً طرفدار فهم متن بر مبنای فهم خواننده یا به اصطلاح خواننده‌محور هستند. این چیزی است که مثلاً اندرو ریپین، مهم‌ترین شارح آثار ونزبرو و نماینده مکتب وی در دوران افول این رویکرد، در مورد قرآن بیان می‌کند. (Issa, 2000: 145)

۳- مهم‌ترین پیش‌فرض‌های رویکرد تشکیکی

با توجه به مطالب پیش‌گفته و از میان تبیین و بررسی‌های دیگر مستشرقان در مورد این رویکرد، می‌توان پیش‌فرض‌های آن را تا حدودی بیرون کشید که مهم‌ترین آنها

عبارتند از:

۱. تدوین و تثبیت دیرهنگام متن قرآن، یعنی متن قرآن در طی سده دوم یا سوم هجری به تدریج و هم‌زمان با فرایند تدریجی تشکیل امت تثبیت شده و رسمیت یافته است. مهم‌ترین دلیل این فرضیه عدم وجود هرگونه شاهد و مدرکی مبنی بر ثبوت تاریخت هرگونه منبع مکتوب اسلامی. از جمله قرآن. پیش از ابتدای سده سوم هجری / نهم میلادی بیان شده است. در نتیجه، خود قرآن نمی‌تواند چونان شاهی برای خاستگاه‌های اسلام استفاده شود، بلکه در واقع بازتاب توسعه اسلام در دوره‌ای متأخرتر است. (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۲؛ Donner, 1998: 23)

۲. روایات مربوط به حیات پیامبر (ص)، سیره، نیز در اصل به مثابه نوعی تفسیر، به خود قرآن وابسته‌اند؛ بنابراین شاهد تاریخی مستقل از خود قرآن یا سنت شرعی متأخر محسوب نمی‌شوند.

۳. در عوض، این منابع بیان‌گراقتباس و انعکاس مبادی حجازی بریک سنت‌اند که خارج از شبه جزیره عربستان و عمدتاً در عراق تلفیق یافته‌اند.

۴. کلید این استنباط، درک اهمیت تأثیر یهودیت خاخی بر رشد تکوینی و درازمدت سنت اسلامی و منابع ادبی مورد وثوق آن است. (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۲؛ Donner, 1998: 23)

۴- تحلیل

اشکالات و نقدهای مهمی هم از سوی برخی اندیشمندان مسلمان و هم از سوی دیگر مستشرقان و اعضای دیگر رویکردهای غربی به پیش فرض‌ها و آرای رویکرد تشکیکی، به ویژه در شکل افراطی آن، وارد شده است. برخی از این نقدها به طور مختصر عبارتند از:

۴-۱- ضعف پیش فرض‌ها

نخست، آرای اصلی این جریان را غالباً دیگر مستشرقان (گراهام، ویلیام، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۵؛ Donner, Fred, 1998: 26-29) و بیش از همه شاگردان بزرگان این جریان نقد کرده‌اند؛ برای نمونه دیدگاه ونزبرو مبنی بر تثبیت دیرهنگام متن قرآن از سوی شاگردش جان برتن^۱ مبنی بر تدوین قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) نقد می‌شود. (Gokkir, 2006: 477) البته دیدگاه جان برتن در جای خود و از زوایای دیگر نقد و ارزیابی شده است. (رضایی هفتاد، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۸۱؛ معارف، رضایی هفتاد، ۱۳۸۸: ۳۱-۷) همچنین برخی پیش فرض‌های این جریان از سوی رابرت هولند^۲ آلمانی، شاگرد پاتریشیا کرون، به نوعی محل تردید قرار گرفته است. (رفیعی، ۱۳۹۳: ۶۳-۷۷) دوم، مهم‌ترین دلیل شک‌گرایان بر فرضیه تدوین دیرهنگام قرآن کریم، عدم اشاره به قرآن در منابع غیراسلامی تا پیش از اواخر سده دوم هجری است که این دلیل با تحقیقات بعدی خود مستشرقان مبنی بر اشاره به قرآن در منابع غیراسلامی قرن اول هجری مردود شناخته شده است. در اینجا چند شاهد می‌آوریم:

نخستین شاهد، مکاتبات، عمر بن عبدالعزیز با لئوی سوم،^۳ امپراتور بیزانس (د. ح. ۷۱۷-۷۴۱) است. در نامه لئوی سوم می‌توان شواهد و قرائنی مبنی بر تدوین قرآن در قرن نخست هجری را یافت. لئو از کتاب مسلمانان با عنوان «فرقان» یاد می‌کند و در پاسخ به انشعاب مسیحیت به ۷۲ فرقه، اشاره می‌کند که مسلمانان نیز با این‌که کمابیش صد سال است که دین آنها در میان يك ملت که به زبان واحدی سخن می‌گویند به وجود آمده، دچار انشعاب شده‌اند. (Newman, 1993: 71-74) این

1. John Burton (born 1929)

2. Robert G. Hoyland (born 1966)

3. Leo III

سند در نقد رویکرد تشکیکی بسیار مهم است، زیرا نخست این که سابقه پیدایش اسلام را حدود ۱۰۰ سال می داند که بنا بر گزارش منابع اسلامی دقیقاً با تاریخ حکومت عمر بن عبدالعزیز مطابقت دارد. دوم این که در میان دفاعیات لثوی سوم از اعتقادات مسیحیان، اشاراتی ضمنی به محتوای آیات قرآن وجود دارد؛ مانند خبر قرآن درباره سجدۀ ملائکه در مقابل حضرت آدم، اشاره به مریم بنت عمران و مریم مادر مسیح، اشاره به اعتقاد مسلمانان به منشأ الهی تورات و انجیل و تحریف آنها توسط اهل کتاب، استقبال به «خانۀ ابراهیم» به هنگام عبادت و رابطۀ حضرت ابراهیم با کعبه، تقدس «خانه ای» که کعبه نامیده می شود و بوسیدن حجرالاسود و اعمال مختلف حج از قبیل قربانی، رمی جمرات و حلق و موارد دیگر. (نیل ساز، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۱) در واقع وجود این تصریحات به وجود قرآن در این سند، فرضیۀ شک گرایان را از اساس باطل می کند.

دومین شاهد مهم، رسالۀ یوحنا ی دمشقی (حدود ۷۵۲ م) در رد اسلام است. ردیۀ این متکلم برجستۀ کلیسای شرقی، در میان آثاری که به یونانی نگاشته شده اند، باقی مانده است. یوحنا در موارد متعدد برای اشاره به تعالیم پیامبر از الفاظی چون «کتاب مقدس»، «کتاب او» و «این کتاب» استفاده می کند. او در این رساله، آیات متعددی از قرآن را نقل به معنا کرده است؛ مانند اشاره به دعوت پیامبر (ص) به توحید و یکتایی خدا و ترجمۀ تقریبی سورۀ اخلاص، بیان آیات قرآن درباره مسیح (ع).^۱ نکته بسیار مهم در ردیۀ یوحنا اشاره به این مطلب است که پیامبر گفته های خود را به «بخش هایی» تقسیم کرده و به هر بخش «عنوانی» داده است. او نام سه سورۀ نساء، بقره و مائده را ذکر و به اختصار به محتوای آنها اشاره می کند. (Newman, 1993: 139-144)

۱. مثل آیات ۴۵ و ۵۱ سورۀ آل عمران؛ آیات ۴، ۵۹، ۱۵۷-۱۵۸ سورۀ نساء و آیات ۱۱۶-۱۱۷ سورۀ مائده.

افزون بر این، برخی کشفیات باستان‌شناسی جدید، به‌ویژه درباره نسخه‌های دستنویس قرآن، نیز خط بطلانی بر نظریه شک‌گرایان مبنی بر تثبیت دیر هنگام متن قرآن است. در این باره مقالات متعددی نگارش یافته و به مدارک متعددی هم اشاره شده که در اینجا فقط مدارک قرآنی مدنظر است. (Whelan, 1998: 1-14) در ۱۹۷۲ میلادی بازسازی مسجد جامع صنعاً در یمن، منجر به کشف مجموعه‌ای بی‌نظیر از نسخه‌های خطی دوران اولیه اسلام شد که در میان آنها نسخه‌های خطی قرآن وجود داشت که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. (نیل‌ساز، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۵) همه این نسخه‌ها در مقایسه با قرآن موجود ناقص‌اند؛ بدین معنا که هیچ‌یک از آنها به‌تنهایی کامل نبوده و یکجا دارای ۱۱۴ سوره نیست، اما در مجموع هر ۱۱۴ سوره را دربردارند. دست‌نوشته‌های صنعاً به‌ویژه برای تأیید وثاقت تاریخی قرآن اهمیت دوچندان می‌یابد، زیرا با مطالعات انجام‌شده روی این نُسَخ ثابت شده که این دست‌نوشته‌ها متعلق به میانه سده اول هجری‌اند؛ به عبارت دیگر، قدمت تاریخی متن قرآن را به سال ۲۵ هجری یعنی ۱۵ سال بعد از رحلت پیامبر (ص) تاریخ‌گذاری می‌کند. (ساکي و شاکر، ۱۳۹۴: ۳۷-۵۹)

در مورد وجود تاریخی پیامبر اکرم (ص) که شک‌گرایان به انواع مختلف در آن تردید می‌کنند نیز خود مستشرقان دست به تحقیق زده و مدارکی جسته‌اند. طبق آخرین تحقیقات رابرت هوپلند نخستین سند غیراسلامی که نام پیامبر (ص) در آن ذکر شده، مربوط به یک وقایع‌نامه مسیحی - سریانی است توسط توماس پرسبایترا در حدود سال ۶۴۰ میلادی نگاشته شده و به جنگ میان رومیان و اعراب اشاره کرده است. در آنجا تصریح می‌کند که در روز جمعه، ۴ فوریه سال ۶۳۴ میلادی در فلسطین و دوازده مایلی غزه، نبردی میان رومیان و اعراب محمد (ص)^۲ رخ داد. به نظر هوپلند

1. Thomas the Presbyter

2. Arabs of Muhammad (tayyaye d-Mhmt)

این همان نبردی است که مورخان اسلامی آن را «نبرد داتین»^۱ می خوانند. (Hoyland, 1997: 120) نکته مهم و درخور توجه تصریح به نام مبارک پیامبر (ص)، محمد، است که دقیقاً خلاف مبانی شک‌گرایان مبنی بر عدم ذکر نام ایشان در منابع غیراسلامی پیش از سده دوم هجری است. علاوه بر این، در بحث باستان‌شناسی نیز یکی از قدیمی‌ترین مدارک درباره پیامبر (ص)، شهادتی (بسم الله محمد رسول الله) است که بر دو سکه نقره‌ای عربی- ساسانی متعلق به سال‌های ۶۶ و ۶۷ هجری حک شده است. (Shoeler, 2011: 14) البته مدارک دیگری نیز در این رابطه و به‌ویژه درباره شخصیت‌های صدر اسلام از سوی خود مستشرقان کشف شده که محققان بدان اشاره‌هایی کرده‌اند. (رفیعی، ۱۳۹۲: ۸۹-۱۲۰؛ Shoeler, 2011: 14)

درباره منابع مکتوب صدر اسلام نیز تحقیقات و کشفیاتی از سوی خود مستشرقان صورت گرفته که نتایج آنها نادرستی پیش‌فرض‌های رویکرد شک‌گرایی را اثبات می‌کند؛ مثلاً کشف برخی پاپیروس‌های کهن که تاریخ‌گذاری برخی از آنها حتی به سال ۲۲ هجری / ۶۴۳ میلادی می‌رسند. (Hoyland, 1997: 688, no. 1) مستشرقانی مثل گریگور شولر^۲ نظریه تکامل توأمان نقل شفاهی و مکتوب در صدر اسلام را مطرح و بر آن استدلال کرده‌اند. (شولر، ۱۳۹۳)

۴-۲- ناسازگاری با واقعیات تاریخی

این پندار شک‌گرایان که کل سنت اسلامی به طور کامل بر اساس عقاید بعدی بازسازی شده است، به لحاظ توسط برخی دیگر مستشرقان، به دلایل مختلفی بعید دانسته شده است. داور برخی دلایل این استبعاد را چنین بیان می‌کند:

۱. جامعه اسلامی در هیچ زمانی از تنش‌ها و اختلافات مذهبی، سیاسی و اجتماعی،

1. battle of Dathin

2. Gregor Schoeler

حداقل از زمان جنگ داخلی اول (۳۵-۴۰ ق/ ۶۵۶-۶۶۱ م) به بعد رها نبوده است. از آن تاریخ به بعد، همیشه چندین دیدگاه سیاسی و کلامی، مثل تشیع، خوارج، بنی‌امیه، مرجئه، در حال رقابت وجود داشته‌اند.

۲. با توجه به وجود این اختلافات، در جامعه مؤمنان کدام «قدرت مقتدری» وجود داشت که قدرت تحمیل یک ساختار عقیدتی یکسانی را بر عموم امت اسلامی داشته باشد؟ این واقعیتی است که شک‌گرایان هرگز پاسخ نمی‌دهند. در واقع، محققان شک‌گرا به راحتی از اصلاحات گسترده در سنت اسلامی سخن می‌گویند، اما آنها به قدرت زحمت‌شناسایی افراد یا گروهی که قدرت انجام این اصلاح را داشته و این‌که چگونه و دقیقاً با چه اهدافی این کار را محقق کرده‌اند را به خود می‌دهند و این نقص و اشکال متوجه رویکرد نقد سنت نیز می‌شود. بدون چنین شناسایی، فرضیه اصلاح همه‌جانبه سنت اسلامی به شکل یکپارچه و منسجم، صرفاً امری انتزاعی است که پشتوانه تاریخی عینی ندارد.

۳. مدرسه شکاکانه از ما می‌خواهد باور کنیم که این مقامات نامعلوم، حال هر کسی که بوده‌اند، توانسته‌اند تمام کتاب‌ها و سنت مکتوب در کل جامعه اسلامی از هند تا اسپانیا را بررسی و ارزیابی کنند؛ به گونه‌ای که به هیچ دیدگاه مخالف با موضع درست‌آیینی استاندارد، اجازه بقا نداده است؛ در حالی که با توجه به ماهیت جامعه و وضعیت ارتباطات در دنیای اولیه اسلام، چنین کنترل و نظارت جامعه‌ی باورنکردنی است، چرا که جامعه اسلامی اولیه دارای یک ساختار سلسله‌مراتبی متحد و منسجم نبود، بلکه بیشتر یک جامعه متشکل از جوامع فرعی کوچک و فرقه‌های فرعی بود. (Donner, 1998: 26-28)

۴. با وجود این، به باور برخی قرآن‌پژوهان غربی، افراد این رویکرد نیز در یک سطح دارای رأی متحد و منسجمی نیستند. آنها در فرضیه‌ها و مبانی خود دارای نقاط

مشترک اندکی هستند. به همین دلیل، موفق به تأسیس حتی یک روش واحد نیز نشدند تا چه رسد به یک مکتب که بتواند چالشی نظام مند را در مقابل پارادایم فعلی اسلام پژوهی و مطالعات قرآنی ارائه کنند. (نیل ساز، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۷۰)

۴-۳- نقد روشی

این رویکرد به لحاظ روش شناسی نیز اشکالاتی دارد که از چشم منتقدان غربی و اسلامی دور نمانده است و در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. رویکرد شک‌گرا مدعی است که منابع موجود یک تصویر کاملاً ویرایش شده و در نتیجه اشتباه را از خاستگاه‌های اسلام به ما ارائه می دهد، زیرا تمام مدارک معتبر مربوط به ماهیت واقعی آن از سنت پاک شده است؛ (Crone, 2003: 7) بدین معنا که این رویکرد از ما می خواهد به دلیل عدم بقای مدارک باید تعبداً بپذیریم که خاستگاه‌های واقعی اسلام غیر از آن چیزی است که توسط سنت اسلامی ترسیم شده است. (Donner, 1998: 26) به عبارت دیگر، آنها سنت، مدارک و منابع اسلامی را به دلیل غیرتاریخی بودن و تعبدی بودن رد می کنند و در همان حال از ما می خواهند که این ادعای بدون دلیل آنها را تعبداً بپذیریم و این خلاف روش محققانه و علمی است.

۲. تناقض در روش. افراد اصلی این رویکرد مثل جان ونزبرو و جرالدهاوتینگ، با روش تحلیل ادبی به سراغ متن قرآن کریم و سایر متون کهن اسلامی رفته اند. ونزبرو مدعی است که در پی «بازسازی تاریخ» نیست و تحلیل های خود را سبک شناختی می نامد و تأکید می کند که این تحلیل ها، استنتاجات دقیقاً تاریخی در پی ندارد. وی همچنین در این که از تحلیل ادبی بتوان به آنچه «واقعاً روی داده» پی برد تردید دارد و بر این نکته اصرار می ورزد که ثمره و نتیجه تحلیل منابع، تنها برای

تحلیل بهتر و دقیق‌تر منابع ارزشمند است، نه برای امر کاملاً متفاوت شرح «آنچه واقعاً روی داده» است. (Wansbrough, 2004: xxi; idem, 1978: xixi) به‌رغم این همه تأکید، او بارها مجبور به استنتاج تاریخی شده و مدعی می‌شود که «فلان اتفاق» اصلاً روی نداده یا به گونه‌ای غیر از آنچه مسلمانان یا دیگر پژوهشگران باور دارند، روی داده است. (نیل‌ساز، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۵۸) وضعیت روشی هاوتینگ نیز متأثر از استادش، ونزبرو، در بررسی آیات قرآنی همین‌گونه است. وی از رهگذر تحلیل ادبی، استنتاج تاریخی می‌کند. در این‌که آیا با استناد به تحلیل ادبی صرف می‌توان نتایج ملموس تاریخی به دست آورد یا نه، اشکال وجود دارد، زیرا نتایج تحلیل ادبی این قابلیت را دارند که با توجه به پیش‌فرض‌های فرد، به گونه‌های مختلف و متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. درست از همین جهت است که این روش و استنتاج‌های تاریخی برآمده از این روش را برخی دیگر از مستشرقان نیز نقد کرده‌اند؛ (نیل‌ساز، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۵؛ پویازاده و پیروان، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۶) از جمله ویلیام گراهام برخی فرضیات و نتایج ونزبرو را به دلیل ابتدای بر تحلیل ادبی صرف نامقبول می‌داند. (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۴).

۳. آرای افراطی کرون و کوک در کتاب **هاجر بیسم** هم به لحاظ روشی و هم محتوایی هدف انتقاد مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفت. از جهت روش‌شناسی یکی از مهم‌ترین نقدها تکیه همه‌جانبه ایشان بر منابع متخاصم، یعنی منابع غیراسلامی بوده است. (سعید، عبدالله، ۱۳۹۷: ۱۵۰) افراط این دو نفر تا آنجا پیش رفت که حتی استاد آنها، جان ونزبرو، هم فرضیات روش‌شناختی آنها را نقد کرد و افراطی خواند. (Wansbrough, 1978: 155-156) در میان غیرمسلمانان بیش از همه استفن همفریز بود که این کتاب را به دلیل «استفاده (یا سوءاستفاده) از منابع یونانی و سریانی» نقد کرد. (R. Stephen Humphreys, 1991: 85)

۴. علاوه بر موارد فوق، باید توجه داشته باشیم که رویکرد شکاکانه مانند رویکردهای نقد منبع و نقد سنت، به شدت مدیون آثار گذشته در حوزه نقد کتاب مقدس هستند. آنها با مسلم‌انگاشتن این حقیقت که کتاب‌های «تاریخی» عهد عتیق و گزارش‌های سنتی مسلمانان درباره‌ی خاستگاه‌های اسلام، شباهت‌های قابل توجهی در محتوا، ساختار و موضوعات دارند، به این نتیجه رسیدند که کاربرد روش‌های استفاده‌شده برای تجزیه و تحلیل کتاب‌های عهد عتیق، برای سنت اسلامی نیز کاملاً موجه به نظر می‌رسد. در نتیجه، شک‌گرایان نه تنها برخی روش‌های نقد کتاب مقدس را اتخاذ می‌کنند، بلکه ظاهراً برخی نتایج نقد کتاب مقدس را نیز کاملاً در مورد سنت اسلامی پذیرفته‌اند؛ به ویژه نگرش بسیار بدبینانه آنها در مورد عدم اعتبار سنت به عنوان یک منبع تاریخی، اصلاحات و یکسانی سنت است. با وجود این اصلاً معلوم نیست که این نتایج که برای این محققان در حال تبدیل شدن به فرضیه‌ها است، در مورد داده‌های سنت اسلامی که بسیار سریع‌تر از سنت عهد عتیق، و در شرایطی بهتر شکل گرفت و ظهور یافت، کاربردپذیر باشد. (Donner, 1998: 29)

۵- رویکرد تشکیکی وارث شک‌گرایی گذشته

نکته‌ای که به نوعی در مباحث اولیه نیز مطرح شد و باید مد نظر باشد این‌که با وجود جلب توجه این رویکرد در اواخر سده بیستم میلادی و تلقین آثار غربی به جدیدبودن این رویکرد، به ویژه با آثار ونزبرو و شاگردانش، این افراد وارثان مستشرقان افراطی پیشین هستند. (Donner, 1998: 23-24) برخی برای باورند که در دوران متأخر، قبل از ونزبرو، پیشگام شک در این همانی قرآن موجود را باید تئودور نولدکه^۱ دانست. در واقع، میان شک‌گرایان قدیم و جدید ارتباطی روشن است و آن ایجاد شک و تردید در این همانی قرآن

1. Theodor N Ideke (1836-1930)

موجود و خدشه‌دار کردن اصالت قرآن است؛ یعنی فرضیه‌ای مبنی بر تشکیک در روند ایجاد قرآن کنونی، مبنی بر این‌که قرآن فعلی، نهایتاً یک ترجمه ناقص از نسخه اصلی است و حتی این نسخه اصلی هم از سوی نولدکه و مینگانا محل تردید قرار گرفت. (محمد ناصر، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸)

حتی در آمریکا نیز قبل از ونزبرو، ما به نوعی شاهد تداوم این رویکرد هستیم که برای نمونه می‌توان به آرای افراطی آبراهام آیزاک کاش (۱۹۰۸-۱۹۹۸)^۱، یهودی آمریکایی-لهستانی اشاره کرد. او در سال ۱۹۵۴ میلادی اثری را با عنوان **یهودیت در اسلام: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش**^۲ در نیویورک منتشر کرد که در سال ۱۹۶۲ میلادی همان اثر با عنوانی جدید «یهودیت و قرآن: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش»^۳ باز نشر یافت. وی مدعی است که پیامبر برای خلق قرآن از همه منابع کتاب مقدس، تلمود، آپوکریفا و سنت یهودی استفاده کرده و در ساختار نیز از سنت مسیحیت بهره برده است. (Katsh, 1962: Introduction) بنابراین، دیدگاه‌های افراطی این رویکرد به هیچ‌وجه جدید و محصول سده بیستم نیست، گرچه ظهورش در قرآن پژوهی آمریکا، در نیمه سده بیستم، با فنون جدیدتر و پیچیده‌تر قابل مشاهده است که آن هم به دلیل تأخر اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی آمریکا نسبت به اروپاست.

نکته پایانی درباره رویکرد تشکیکی این‌که به‌رغم تبلیغ و ترویج آن در محافل علمی غرب به مثابه جریانی چالش برانگیز در برابر دیدگاه سنتی و اصیل اسلامی، به باور برخی

1. ABRAHAM ISAAC KATSH (Katz) (1908-1998)

2. Katsh, Abraham I., *Judaism in Islam: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*, New York 1954.

3. Katsh, Abraham I. (1962), *Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*, New York.

از قرآن پژوهان غربی، افراد این رویکرد در یک سطح و دارای رأی متحد و منسجمی نبوده و در فرضیه‌ها و مبانی خود دارای نقاط مشترک اندکی هستند. به همین دلیل موفق به تأسیس حتی یک روش واحد نیز نشدند تا چه رسد به یک مکتب که بتواند چالشی نظام‌مند را در مقابل پارادایم فعلی اسلام پژوهی و مطالعات قرآنی ارائه کنند. (نیل‌ساز، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۷۰) در واقع برای پذیرش نتایج این رویکرد، عملاً به یک نظریه تاریخ توطئه نیاز داریم تا بتوانیم استدلال کنیم که حجم بسیاری از منابع عظیم مکتوب اسلامی در قرن سوم هجری / نهم میلادی، زاییده سنت پیشین مکتوب و شفاهی نیست؛ سنتی که محصول یک جامعه دینی مشخص و منابع و مراجعی دینی، از جمله کتاب آسمانی تثبیت شده است. (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۳)

در اینجا تلاش شد تا رویکرد تشکیکی در حوزه قرآن پژوهی مستشرقان، با تأکید بر قرآن پژوهان فعال در حوزه ایالات متحده آمریکا، به صورت مختصر تبیین و بررسی شود و تلاش هم بر این بوده تا این امر از طریق منابع و آرای خود مستشرقان صورت گیرد تا روزنه و مشوقی برای تحقیقات مفصل تراز سوی دیگر پژوهشگران این عرصه باشد.

۶- نتیجه‌گیری

۱. در این مقاله به گونه‌ای مختصر، رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب قرآن پژوهی در حوزه جغرافیایی ایالات متحده تبیین و تحلیل قرار شد که در دهه ۱۹۷۰م، با محوریت جان ونزبروی آمریکایی و شاگردان وی که عمدتاً مرکز فعالیتشان در ایالات متحده بوده‌اند، برجسته شد.

۲. آرا و دیدگاه‌های افراطی و چالش‌برانگیز این رویکرد بسیار سریع در کانون توجه محافل علمی قرار گرفت و باعث واکنش دیگر جریان‌های قرآن پژوهی شد. رشد و گستره این توجه به مطالعات قرآنی و رونق آن، به‌ویژه در غرب، به گونه‌ای بود که

برخی مستشرقان سخن از «عصر طلایی مطالعات قرآنی» به میان آوردند. (Reynolds, 2011: 1-21)

۳. انتشار آثار متعدد از سوی رویکرد تشکیکی، واکنش اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان را برانگیخته است که به تحلیل و نقد پیش‌فرض‌ها، روش‌ها و آرای این رویکرد مشغول شده‌اند.

۴. این رویکرد، ضمن مواجهه با دیگر رویکردهای قرآن‌پژوهی آمریکا، مانند رویکرد علمی-انتقادی و جریان رهیافتگان، از جهات مهم هدف نقدهای جدی قرار گرفت. پیش‌فرض‌های این رویکرد مبنی بر تدوین متأخر منابع اسلامی، از جمله قرآن کریم، با ارائه مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناسی مبنی بر ثبوت آنها در سده اول هجری از سوی محققان، به سستی گرایید. در مباحث روش‌شناسی تناقض‌ها و نقص‌های روش تحقیق این رویکرد آشکار شده و نتایج خلاف واقع و غیرتاریخی برآمده از این پیش‌فرض‌های سست و روش‌های تناقض‌آمیز مورد بازنگری قرار گرفته و از سوی محافل علمی محل تردید و تضعیف قرار گرفت که نتیجه موارد فوق، کم‌سویی و زوال تقریبی این رویکرد افراطی در آغاز سده بیست‌ویکم در میان مستشرقان است.

۵. سخن پایانی این‌که حتی همین جریان افراطی تشکیکی با اهداف تخطئه و انکاری خود، به نوعی جزو نخستین مروجان اسلام‌شناسی و مطالعات قرآنی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شوند و با به‌تحرك‌واداشتن دیگر جریان‌های فعال در عرصه قرآن‌پژوهی، ضمن حفظ پویایی مطالعات قرآنی، سهمی در آشنایی بهتر و منصفانه‌تر غربیان با اسلام و قرآن داشته‌اند.

منابع

۱. اسکندریلو، محمدجواد، علوی، سیدحسین. (۱۳۹۹). «بررسی مهم‌ترین مبانی قرآن پژوهی مستشرقان (با تأکید بر قرآن پژوهان آمریکایی)». **قرآن پژوهی خاورشناسان**. سال پانزدهم. شماره ۲۸. ص ۹-۲۸.
۲. پویازاده، اعظم و مریم پیروان. (۱۳۹۳). «نقد و بررسی دیدگاه جerald هاوتینگ در کتاب بت پرستی و ظهور اسلام». **فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)**. سال یازدهم. شماره ۳. پیاپی ۲۳. ص ۳۳-۶۰.
۳. رضایی هفتاد، حسن. (۱۳۸۷). «تحلیل و نقد آرای جان برتن درباره تدوین قرآن». **مطالعات قرآن و حدیث**. سال دوم. شماره اول. ص ۱۵۵-۱۸۱.
۴. رفیعی، محمدحسین. (۱۳۹۳). «پاره‌های اسلام شناسی (۴) اسلام شناسی در غرب (۱): بررسی آثار رابرت هولیند». **آینه پژوهش**. شماره ۱۴۸. ص ۶۳-۷۷.
۵. رفیعی، محمدحسین. (۱۳۹۲). «جریان شناسی سیره پژوهی در غرب: با تأکید بر مطالعات در باب اعتبار و وثاقت حدیث در سنت اسلامی». **مطالعات تاریخ اسلام**. سال پنجم. شماره ۱۹. ص ۸۹-۱۲۰.
۶. ساکی، نانسی و محمدکاظم شاکر. (۱۳۹۴). «کندوکاوی نو در مسئله وثاقت تاریخی قرآن با استناد به مصاحف صنعا». **پژوهش‌های علم و دین**. سال ششم. شماره اول. ص ۳۷-۵۹.
۷. سعید، عبدالله. (۱۳۹۷). **درآمدی به قرآن**. مترجم: سعید شفیعی. تهران: انتشارات حکمت.
۸. شولر، گریگور. (۱۳۹۳). **شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی**. مترجم: نصرت نیل‌ساز. تهران: حکمت.
۹. گراهام، ویلیام. (۱۳۹۱). «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی». **زبان قرآن**. تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان. ترجمه مرتضی کریمی‌نیا. تهران: هرمس.
۱۰. محمد ناصر، محمد نسرین. (۱۳۹۲). **میراث تعصب: شرق شناسان معاصر و پندارهای نادرست آنان درباره قرآن**. مترجم: هدی شفیعی شکیب. تهران: مؤسسه مطالعاتی روابط اسلام و غرب.
۱۱. معارف، مجید، حسن رضایی هفتاد. (۱۳۸۸). «تحلیل و نقد آرای جان برتن درباره تدوین قرآن». **پژوهش دینی**. شماره ۱۸. ص ۷-۳۱.
۱۲. معارف، مجید. (۱۳۹۴). **شناخت قرآن: دفتر اول قرآن و خاورشناسان**. تهران: نبأ.

۱۳. نیل ساز، نصرت. (۱۳۸۷). «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن». مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۸۸. ص ۱۵۱-۱۷۰.
۱۴. نیل ساز، نصرت. (۱۳۹۳). **خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس**. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. نیل ساز، نصرت. (۱۳۹۵). «مروری بر کتاب قرآن در بستر تاریخی آن». **مجله نقد کتاب قرآن و حدیث**. سال دوم شماره ۵. ص ۱۷۳-۱۷۰.
۱۶. نیل ساز، نصرت. (۱۳۸۹). «میراث بی نظیر مسجد جامع صنعاء»، **آینه پژوهش**. شماره ۱۲۲. ص ۱۹-۲۵.
۱۷. ولن، استیله (۱۳۸۸). «مدارک از یادرفته». مترجم: مهدی اسلامی. **حدیث اندیشه**. سال چهارم. شماره ۷. ص ۱۳۱-۱۶۴.
18. Crone, Patricia. (2003). *Slaves on horses: the evolution of the Islamic polity*. Cambridge: Cambridge University Press.
19. Crone, Patricia; Cook, Michael. (1977). *Hagarism, the making of the Islamic world*. Cambridge: Cambridge University Press
20. Donner, Fred M. (1998). *Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing*. Princeton, New Jersey: The Darwin Press, Inc.
21. Gokkir, Bilal. (2006). "origins, organization and influences on the Quran". in *Quran: an Encyclopedia*. Edited by liver Leaman. London: Routledge. PP. 474-480
22. Issa, J. Boullatta. (2000). *Literary Structures of Religious Meaning in the Quran*, London: Curzon Press.
23. Katsh, Abraham I. (1962). *Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*. New York: Intellectbooks.
24. Nevo, Yehuda and Koren, Judith. (1991). "Methodological Approaches to Islamic Studies", *Der Islam* 68: 87-107
25. Newman, N. A. (1993). *The Early Christian-Muslim Dialogue*. Pennsylvania: Interdisciplinary Research Institute.
26. R. Stephen Humphreys. (1991). *Islamic History: A Framework for Inquiry*. Princeton: Princeton University Press.

27. Segovia, Carlos A. and Basil Lourie. eds" (2012) .The Coming of the Comforter: When, Where, and to Whom?" Studies on the Rise of Islam and Other Various Topics in Memory of John Wansbrough. Orientalia Judaica Christiana 3. NJ: Gorgias Press.
28. Sells, Michael A. (1999&2001). Approaching the Qur'an: The Early Revelations. Ashland Oregon: White cloud press.
29. Shoeler, Gregor. (2011). The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity. Translated by Uwe Vagelpohl. Edited by James E. Montgomery. London: Routledge.
30. Wansbrough, John. (2004)). Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation. New York: Amherst.
31. Wansbrough, John. (1978). Review of "Hagarism: The Making of the Islamic World by Patricia Crone. Michael Cook". Bulletin of the School of Oriental and African Studies. University of London. vol. 41. no. 1. pp. 155-156
32. Wansbrough, John (1978). The Sectarian Milieu: Content and Composition Of Islamic Salvation History. London: Oxford.
33. Wasserstrom, Steve M. (1997). "Marilyn Robinson Waldman: April 13, 1943 - July 8, 1996". History of Religions (The University of Chicago Press). Vol. 37. No. 1: 1-2
34. Whelan, Estelle. (1998). "Forgotten Witness: Evidence for the Early Codification of the Qur'an". Journal of the American Oriental Society. Vol. 118. Issue 1. January-March. pp. 1-14.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی